

تحولات اشتغال زنان در ایران با استفاده از تحلیل انتقال - سهم

نادر مهرگان*، میثم موسائی**، روح الله رضائی***

طرح مسئله: مسئله اشتغال، به ویژه اشتغال زنان طی دهه‌های اخیر به عنوان یکی از موضوعات مهم و تأثیرگذار در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور تبدیل شده است. با توجه به اهمیت موضوع هدف این مقاله بررسی تحولات صورت گرفته در اشتغال زنان ایران است. روش: بدین منظور از شاخص مشارکت زنان در نیروی کار از مجموعه شاخص‌های توسعه جهانی، فراهم شده توسط بانک جهانی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل‌ها با استفاده از روش انتقال - سهم و طی دو دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۵ و ۱۹۹۵-۲۰۰۵ صورت گرفته است.

یافته‌ها: با گذشت زمان ساختار نیروی کار زنان در ایران تغییرات اساسی داشته است، به طوری که طی دو دهه مورد بررسی سهم زنان در نیروی کار از رقم ۱۹/۳ درصد در سال ۱۹۸۵ به رقم ۳۳/۸ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است.

نتایج: همچنین با توجه به نتایج، طی دوره‌های مورد بررسی رشد شاغلان زن کشور بیش‌تر از سهم کشور از رشد منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) بوده است. این رشد نامتناسب به دلیل رشد رقابتی و ساختاری مثبت موجود است، یعنی طی دوره مذکور رشد و تحرک فعالیت‌های زنان در اقتصاد ایران مثبت بوده و همچنین نسبت به منطقه منا مزایای رقابتی وجود داشته است، به طوری که در مجموع به علت مزایای نسبی و رقابتی موجود در جذب زنان به عنوان نیروی کار، اشتغال زنان در کشور از سطح مورد انتظار پیشی گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اشتغال، انتقال - سهم، ایران، خاورمیانه، زنان، شمال آفریقا.

تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۸۷/۹/۲۵

* دکتر اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا

** دکتر اقتصاد دانشگاه تهران <mousaee@ut.ac.ir>

*** کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا

مقدمه

از ویژگی‌های بارز کشورهای منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا)^۱ می‌توان به نرخ‌های بالای رشد جمعیت اشاره نمود. بر اساس آمارهای بانک جهانی نرخ رشد سالانه جمعیت در این منطقه، طی سال ۲۰۰۵ به طور متوسط ۱/۸۴ بوده که فراتر از متوسط جهانی با رشد سالانه ۱/۱۹ می‌باشد. گسترش حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماع از دیگر ویژگی‌های منطقه است، به طوری که با وجود افزایش بیکاری در این منطقه شاهد گسترش حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی می‌باشیم.

ایران نیز به دلیل قرار گرفتن در این منطقه از این موضوع مستثنی نمی‌باشد. در ایران از کل نیروی کار ۱۱ میلیونی در سال ۱۹۸۰، ۱۹/۵ درصد یعنی حدود ۲ میلیون نفر آن را نیروی کار زنان تشکیل می‌دهد. این در حالی است که درست در همین سال نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در منطقه منا و دنیا به ترتیب برابر با ۲۰ و ۳۹ درصد بوده است که بیانگر پایین بودن نرخ‌های مشارکت زنان در ایران و منطقه منا نسبت به متوسط جهانی می‌باشد. با بررسی آمارهای موجود در این زمینه در سال ۲۰۰۵ متوجه می‌شویم که نرخ‌های مشارکت زنان ایران در نیروی کار با گذشت زمان افزایش یافته و از متوسط سطح منطقه منا نیز عبور کرده است و در حال نزدیک شدن به سطح متوسط جهانی است، به طوری که این نرخ در ایران طی سال ۲۰۰۵ برابر با ۳۳/۷ درصد بوده که از متوسط منطقه منا یعنی ۲۷/۵ درصد بیش‌تر می‌باشد و در حال نزدیک شدن به متوسط جهانی یعنی ۴۰ درصد است. این مسئله بیانگر افزایش حضور زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی می‌باشد که خود می‌تواند ناشی از تغییر نگرش‌ها و فرهنگ‌های حاکم بر جامعه، گسترش و باز شدن فضای جامعه جهت حضور زنان در عرصه‌های مختلف، افزایش سطح تحصیلات و آگاهی افراد جامعه به خصوص زنان و سایر عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باشد. اما در این مقاله به دنبال بررسی دلایل افزایش در نرخ‌های مشارکت زنان

1. Middle East and North Africa (MENA)

نیستیم. بلکه هدف اصلی این مقاله بررسی تغییر و تحولات صورت گرفته در اشتغال زنان و در ایران طی دو دوره ۱۰ ساله یعنی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ و ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ می‌باشد. در واقع در این پژوهش بر سئوالات زیر متمرکز خواهیم شد: آیا رشد شاغلان زن در کشور متناسب با رشد آن در منطقه منا بوده یا خیر؟ و اگر متناسب نبوده دلیل آن چیست؟ جهت پاسخ به سئوالات مذکور روش انتقال - سهم مورد استفاده قرار گرفته است. روش انتقال - سهم تکنیکی است که به طور گسترده‌ای در تجزیه و تحلیل اقتصادهای منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش به استفاده از اندازه نسبی تغییرات موجود در سهم اقتصاد ملی در مقایسه با سطحی بالاتر، به عنوان مثال اقتصاد منطقه‌ای و یا بین‌المللی پرداخته می‌شود.

در ادامه، سازمان دهی پژوهش بدین شرح می‌باشد: بخش دوم به مبانی نظری و تجربی موجود در این زمینه اختصاص دارد. سپس در بخش سوم و چهارم به شرح مدل انتقال - سهم و نحوه محاسبات آن پرداخته شده است. بخش پنجم به تجزیه و تحلیل نتایج تجربی تحقیق اختصاص داشته و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مبانی نظری و تجربی

در این مقاله به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل تحولات اشتغال زنان از تحلیل انتقال - سهم^۱ استفاده شده است. بر اساس این تحلیل، نرخ رشد اشتغال زنان در فعالیت‌های اقتصادی ایران به سه جزء تفکیک می‌شود که عبارتند از:

جزء اول: رشد ناشی از سهم منطقه‌ای؛

جزء دوم: رشد ناشی از ساختار (ترکیب) فعالیت‌ها؛

جزء سوم: رشد ناشی از مزایای رقابتی در فعالیت‌ها.

1. shift-share analysis

به منظور محاسبه هر یک از سه جزء مذکور از روش انتقال - سهم استفاده خواهد شد. این روش علاوه بر آن که جزئیات بیش تری درباره دلایل رشد مناطق و نقش فعالیت‌های مختلف در آن ارائه می‌دهد، به دلیل سادگی و در دسترس بودن داده‌های مورد نیاز آن تبدیل به یکی از روش‌های کاربردی در این زمینه شده است.

تحقیقاتی که در آن‌ها از روش انتقال - سهم استفاده شده است، اکثراً در رابطه با اشتغال مناطق بوده است. در ادامه به تعدادی از تحقیقات موجود در این زمینه اشاره شده است. جمشیدی (۱۳۷۸) در قسمتی از پایان نامه خود به منظور شناخت روند اشتغال بخش صنعت در استان‌های مختلف کشور از مدل انتقال - سهم استفاده کرده است.

در تحقیقاتی که توسط عسگری و گلی (۱۳۷۸) برای استان همدان انجام گرفته است از تحلیل انتقال - سهم برای بررسی چگونگی رشد اقتصادی استان همدان و شهرستان‌های تابعه طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵ برای فعالیت‌های عمده اقتصادی نظیر کشاورزی، استخراج معدن، صنعت، آب و برق، عمده فروشی و خرده فروشی، حمل و نقل، خدمات عمومی و سایر استفاده گردیده است. سبحانی و درویشی (۱۳۸۴) با استفاده از مدل انتقال - سهم به بررسی علل رشد متناسب یا نامتناسب شاغلان استان ایلام نسبت به کشور پرداخته‌اند.

لاسن^۱ (۲۰۰۲) با استفاده از تحلیل انتقال - سهم به بررسی مناطق ونزوئلا پرداخته است. مائورس، پاستور و سرانو^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان توضیح شکاف بهره‌وری رشد در آمریکا و اروپا به استفاده از روش انتقال - سهم پرداخته‌اند.

بر اساس نتایج، استراتژی کشورهای اروپایی در کاهش شکاف موجود بین آن‌ها و آمریکا باید بر اساس رشد بیش تر بهره‌وری از طریق صنایع‌شان باشد.

با توجه به تحقیقات صورت گرفته متوجه وسعت و گسترش استفاده از این روش در مطالعات و تحقیقات صورت گرفته می‌شویم. به طوری که این روش در میان برنامه‌ریزان،

1. Lasuen

2. Maudos, Pastor and Serrano

جغرافی دانان و دانشمندان منطقه‌ای محبوبیت فراوانی یافته است و در ادامه به بررسی این روش خواهیم پرداخت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

مشابه بسیاری از ابزارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی، تحلیل انتقال - سهم یک ابزار کاملاً مفهومی است که برای ارزیابی قوت و ضعف اقتصاد مناطق با استفاده از متغیرهای مختلفی نظیر اشتغال، فروش و یا درآمد به کار گرفته می‌شود. اما برخلاف سایر روش‌ها، روش انتقال - سهم این امکان را فراهم می‌سازد که رشد را به سه جزء تقسیم نماییم، که عبارتند از: رشد ناشی از رشد منطقه‌ای، رشد ناشی از ساختار (ترکیب) فعالیت‌ها و جمعیت و رشد ناشی از مزایای رقابتی در فعالیت‌ها.

جزء مربوط به رشد منطقه‌ای، سهم کشور از رشد منطقه است. این جزء، درجه تغییر در رشد یک کشور را که مرتبط با منطقه‌ای بزرگ‌تر است می‌سنجد. به بیان دیگر، این نوع تغییرات در حقیقت، رشد و یا رکودی است که با فرض ثبات سایر عوامل، در نتیجه تغییر و تحولات منطقه به وجود آمده و یا تحت تأثیر آن قرار گرفته است. بدین ترتیب اگر اشتغال زنان در کل منطقه منافع افزایش و یا کاهش یابد انتظار می‌رود که این مسئله با توجه به مشابهت فرهنگی و مذهبی اثرات مشابه مثبت و یا منفی بر اشتغال زنان در سطح کشور داشته باشد.

جزء مربوط به تغییرات ناشی از ساختار (ترکیب) فعالیت‌ها، اثر ترکیب فعالیت‌های یک کشور را در مقایسه با منطقه‌ای وسیع‌تر مورد توجه قرار می‌دهد. یک فعالیت اقتصادی مشخص، ممکن است نرخ رشد یا رکودی متفاوت از سایر فعالیت‌ها داشته باشد. کشوری که در خود فعالیت‌هایی با نرخ رشد بالا را متمرکز کرده باشد، دارای ساختار فعالیت‌های مثبت بوده و برعکس، کشوری که در آن فعالیت‌هایی با رشد کم متمرکز شده است، مواجه با اثر منفی بر ساختار فعالیت‌ها خواهد بود.

جزء سوم، تغییرات ناشی از ساختار رقابتی و مزایای نسبی یک فعالیت را در مقایسه با همان فعالیت در سطح کل منطقه اندازه گیری می کند. ممکن است برخی فعالیت های اقتصادی (که غالباً نیروی کار زنان را جذب می کند) در یک کشور به دلیل وجود شرایط خاص اقتصادی، سریع تر و یا کندتر از فعالیت های مشابه در سطح منطقه رشد کنند. این عوامل می توانند شامل زیرساخت ها، زمین، آب و هوا، منابع طبیعی و نیروی کار باشند. بنابراین این جزء به نحوی قدرت رقابتی بهتر و یا امتیازات مکانی بهتر یک کشور را نسبت به سایر مناطق نشان می دهد. (عسگری و گلی)

اساس الگوی انتقال سهم این است که اختلافات و تغییرات نرخ رشد هر یک از شاخص ها را بین منطقه و کلان منطقه یا اقتصاد ملی، متأثر از دو عامل و اثر کیفی یعنی اثر رقابتی و اثر تجمعی موجود در هر منطقه نشان می دهد. از مزایای این تکنیک می توان به مقایسه منطقه مورد بررسی با منطقه ای وسیع تر، با جزئیات بیش تر و قابل اطمینان تر اشاره نمود. در واقع انتقال - سهم تکنیک تجزیه و تحلیل نسبتاً قدیمی و به اعتبار گذشته است، که به ارزیابی پایان فرآیند به جای متغیرهایی که عامل تغییر هستند می پردازد (کنودسن^۱ ۲۰۰۰). در بسیاری از کشورهای توسعه یافته کاربرد روش انتقال - سهم در برنامه ریزی های منطقه ای بسیار متداول گردیده است. از این رو، کاربرد روش مذکور در برنامه ریزی های اشتغال به خصوص اشتغال زنان در کشور ضرورت خواهد داشت.

روش محاسباتی تحلیل انتقال - سهم

روابط زیر، نحوه محاسبه انتقال - سهم برای اشتغال زنان در یک کشور را نشان می دهند:

$$e_i \left[\left(\frac{TE_i^*}{TE} \right) - 1 \right] = \text{Share (سهم کشور از رشد منطقه ای)}$$

$$e_i \left[\left(\frac{TE_i^*}{TE_i} \right) - \left(\frac{TE^*}{TE} \right) \right] = \text{Proportional shift (تغییرات ساختاری)}$$

1. Knudsen

$$e_i \left[\left(\frac{e_i^*}{e_i} \right) - \left(\frac{TE_i^*}{TE_i} \right) \right] = \text{تغییرات رقابتی (Competitive shift)}$$

تغییرات رقابتی + تغییرات ساختاری + سهم کشور از رشد منطقه = رشد اشتغال زنان در کشور = کل تغییرات

که در روابط بالا داریم:

اشتغال زنان کشور در ابتدای دوره: e_i

کل اشتغال منطقه در ابتدای دوره: TE

کل اشتغال منطقه در انتهای دوره: TE^*

اشتغال زنان کشور در انتهای دوره: e_i^*

اشتغال زنان منطقه در ابتدای دوره: TE_i

اشتغال زنان منطقه در انتهای دوره: TE_i^*

بدیهی است که مدل انتقال - سهم همانند اغلب مدل‌های دیگر، علی‌رغم داشتن محاسن بسیار، دارای محدودیت‌ها و کاستی‌هایی است که هرگونه استفاده از آن بایستی، با ملاحظه محدودیت‌ها و معایب آن صورت گیرد.

تجزیه و تحلیل نتایج

به منظور بررسی تغییر و تحولات صورت گرفته در اشتغال زنان طی دو دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۵ و ۱۹۹۵-۲۰۰۵ از مجموعه شاخص‌های توسعه جهانی که توسط بانک جهانی فراهم شده است، آمار و اطلاعات نرخ‌های مشارکت زنان در نیروی کار و کل نیروی کار برای ایران، منطقه منا و دنیا استخراج شده و بر اساس آن‌ها تعداد شاغلان زن موجود محاسبه گردیده است.

جدول ۱ تعداد و درصد زنان شاغل موجود در کشور، منطقه منا و دنیا را به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۵، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۵ نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعداد و درصد زنان شاغل

دنیا		منطقه منا		ایران		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۹/۵	۸۴۹۹۸۳۳۱۲	۲۱/۴	۱۱۶۷۰۳۸۰	۱۹/۳	۲۵۹۰۹۵۰	۱۹۸۵
۳۹/۸	۱۰۲۸۷۲۵۴۳۸	۲۳/۹	۱۸۰۵۱۳۶۸	۲۴/۸	۴۲۹۲۳۸۴	۱۹۹۵
۴۰	۱۲۱۳۵۰۸۷۷۱	۲۷/۶	۲۹۸۳۳۲۰۲	۳۳/۸	۹۳۰۱۱۲۳	۲۰۰۵

منبع: بانک جهانی و محاسبات تحقیق

بر اساس آمار و اطلاعات مندرج در جدول ۱ می‌توان اظهار داشت که طی سال‌های مورد بررسی سهم زنان از نیروی کار به طور متوسط در دنیا رقمی ثابت و حدود ۴۰ درصد بوده است. اما درست طی همین دوره با وجود رشد نه چندان آهسته منطقه منا، کشور ایران با رشدی سریع در افزایش سهم زنان در اشتغال مواجه بوده است به طوری که این سهم در ایران از رقم ۱۹/۳ درصد در سال ۱۹۸۵ به رقم ۳۳/۸ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. همچنین با نگاهی به آمارهای منطقه منا متوجه می‌شویم که اگر چه این منطقه نیز شاهد رشد فزاینده‌ای در زمینه حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی بوده است اما این رشد قابل مقایسه با رشد چشم‌گیر ایران نمی‌باشد. این موضوع می‌تواند ناشی از تغییر و تحولات سریع صورت گرفته در ایران در مقایسه با سایر کشورها به خصوص کشورهای موجود در منطقه منا باشد. بنابراین نتایج حاکی از آن است که طی دو دهه مورد بررسی با تغییر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور شاهد افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی بوده‌ایم.

به منظور مقایسه رشد شاغلان زن کشور با گروه کشورهای منطقه منا، همچنین بررسی ساختار و علل اختلاف این رشد در کشورمان و منطقه منا طی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۵ و ۱۹۹۵-۲۰۰۵ تحلیل انتقال - سهم به کار گرفته شده است. انتخاب این دوره‌های زمانی با توجه به وجود اطلاعات و آمار مورد نیاز جهت انجام تجزیه و تحلیل‌ها می‌باشد. نتایج

محاسبات با توجه به دو دوره زمانی مورد بررسی در جدول ۲ آورده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود به منظور انجام تجزیه و تحلیل‌ها رشد اشتغال زنان در کشور به سه جزء سهم از رشد منطقه‌ای، رشد ساختاری و رشد رقابتی تفکیک شده است.

سهم از رشد رقابتی + سهم از رشد ساختاری + سهم از رشد منطقه‌ای = رشد شاغلان زن کشور

در صورت عدم تساوی رشد شاغلان زن کشور با سهم کشور از رشد منطقه‌ای، به کمک این مدل علت این تفاوت را با سایر اجزاء ما یعنی رشد ساختاری و رشد رقابتی توضیح می‌دهیم.

با توجه به جدول شماره ۲، رشد شاغلان زن کشور طی هر دو دوره مثبت بوده است؛ به طوری که در مجموع طی دوره‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۵ و ۱۹۹۵-۲۰۰۵ میزان زنان شاغل کشور به ترتیب ۱۷۰۱۴۳۴ و ۵۰۰۸۷۳۹ نفر افزایش یافته است.

جدول ۲. نتایج محاسبات انتقال - سهم برای اشتغال زنان ایران طی دو دهه ۱۹۸۵-۱۹۹۵ و ۱۹۹۵-۲۰۰۵

تغییرات رقابتی	تغییرات ساختاری	سهم کشور از رشد منطقه‌ای	تغییرات اشتغال	۲۰۰۵	۱۹۹۵	۱۹۸۵	
۲۸۴۸۰۸	۴۳۴۴۵۱	۹۸۳۱۷۵	۱۷۰۱۴۳۴		۴۲۹۲۳۸۴	۲۵۹۰۹۵۰	نتایج دهه ۱۹۹۵-۱۹۸۵
۲۲۰۷۱۳۱	۹۳۵۸۸۹	۱۸۶۵۷۲۰	۵۰۰۸۷۳۹	۹۳۰۱۱۲۳	۴۲۹۲۳۸۴		نتایج دهه ۲۰۰۵-۱۹۹۵

منبع: محاسبات تحقیق

برای مشخص شدن دلیل رشد شاغلان زن کشور طی دوره‌های مورد نظر به بررسی نتایج انتقال - سهم پرداخته شده است. اگر نتایج به دست آمده در جزء سهم منطقه‌ای را با رشد واقعی به وجود آمده مقایسه کنیم، معلوم می‌شود که در هر دو دوره، رشد تحقق یافته

بیش تر از مقدار مورد انتظار بوده است، به طوری که انتظار می‌رفت بر اساس تغییر و تحولات منطقه‌ای، شاغلان زن کشور در دوره اول ۹۸۳۱۷۵ نفر افزایش یابد، این در حالی است که عملاً اشتغال زنان در این دوره ۱۷۰۱۴۳۴ نفر افزایش یافته است. در دوره دوم نیز مقدار رشد مورد انتظار برابر با ۱۸۶۵۷۲۰ نفر بوده، که در عمل ۵۰۰۸۷۳۹ نفر افزایش داشته است. بنابراین با توجه به جدول نتایج متوجه می‌شویم که طی هر دو دوره، به خصوص دوره دوم رشد تحقق یافته از رشد مورد انتظار بیش تر بوده است. این موضوع بیانگر ورود سریع زنان در عرصه‌های اقتصادی و تمایل به جذب آنان از سوی کارفرمایان می‌باشد.

جالب این که سهم منطقه‌ای نشان می‌دهد که در مجموع کشور ایران طی دو دوره مورد بررسی، سهمی بیش تر از حد مورد انتظار رشد اشتغال زنان نسبت به متوسط منطقه‌ای داشته است. حال علت این رشد نامتناسب را با توجه به اجزای مدل انتقال - سهم توضیح می‌دهیم.

ملاحظه نتایج تغییرات ساختاری طی دوره‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که در هر دو دوره اشتغال زنان دارای تغییرات ساختاری مثبت و به ترتیب برابر با ۴۳۳۴۵۱ و ۹۳۵۸۸۹ بوده است. شرایط محیطی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر تغییرات ساختاری می‌باشد. لذا می‌توان استدلال کرد که رشد و تحرک فعالیت‌های زنان در سطح منطقه‌ی مناسبت مثبت بوده و در واقع اشتغال زنان در کشور از رشد بالایی برخوردار بوده است.

نتایج حاصل از تغییرات ناشی از رقابت نسبی فعالیت‌ها نشان می‌دهند که در مجموع در هر دو دوره اشتغال زنان در ایران دارای مزیت نسبی بوده و در کشور محیط مناسبی برای رشد فعالیت‌های اقتصادی زنان وجود داشته است. یعنی شرایط حاکم بر کشور اثر مثبتی بر رشد شاغلان زن کشور طی دو دهه مورد بررسی داشته است. از این رو، ایران طی دوره‌های مورد بررسی نسبت به سایر مناطق دنیا از مزیت نسبی و رقابتی در جذب زنان به عنوان نیروی کار برخوردار بوده است.

در مجموع می‌توان اظهار داشت طی دوره‌های مورد بررسی رشد شاغلان زن کشور بیش‌تر از متوسط رشد منطقه منا بوده است و این به علت رشد رقابتی و ساختاری مثبت موجود است، به طوری که در مجموع به علت اثرات مثبت ساختاری و رقابتی تعداد شاغلان زن موجود از سطح مورد انتظار پیشی گرفته است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف بررسی تحولات صورت گرفته در اشتغال زنان ایران در دو دوره زمانی (سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۵ و ۱۹۹۵-۲۰۰۵) انجام شده است. برای انجام تجزیه و تحلیل‌ها از روش انتقال - سهم استفاده شده است. این روش در میان برنامه‌ریزان، جغرافی‌دانان و دانشمندان منطقه‌ای بسیار مشهور است. در این روش نرخ رشد اشتغال زنان در کشور به سه جزء تفکیک می‌شود که عبارتند از: رشد ناشی از سهم منطقه‌ای؛ رشد ناشی از ساختار (ترکیب) فعالیت‌ها و رشد ناشی از مزایای رقابتی در فعالیت‌ها.

بررسی آمار و ارقام موجود حاکی از آن است که ساختار اشتغال زنان در ایران طی دو دوره مورد بررسی تغییرات اساسی داشته است. به طوری که سهم زنان در نیروی کار از ۱۹/۳ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۳۳/۸ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. این رشد فزاینده در کشور با توجه به رشد نه چندان آهسته منطقه منا و همچنین ثابت بودن متوسط سهم زنان از نیروی کار در دنیا است، که خود نشان‌گر شرایط خاص کشورمان و به خصوص تغییر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور طی دو دهه اخیر نسبت به سایر کشورها و مناطق می‌باشد.

با توجه به تجزیه و تحلیل‌های انجام شده ناشی از روش انتقال - سهم می‌توان اظهار داشت که طی دوره‌های مورد بررسی رشد زنان شاغل در ایران با رشد آن‌ها در سطح منطقه متناسب نمی‌باشد، بدین معنا که رشد شاغلان زن کشور بیش‌تر از سهم کشور از رشد منطقه منا بوده است. با بررسی اجزاء تشکیل دهنده مدل انتقال - سهم علت رشد

نامتناسب زنان شاغل طی دوره‌های مورد بررسی رشد رقابتی و ساختاری مثبت موجود یافته شد، یعنی طی دوره‌های مذکور با توجه به مناسب بودن ترکیب فعالیت‌ها و همچنین وجود مزایای رقابتی در کشور تعداد زنان شاغل موجود در کشور از سطح مورد انتظار پیشی گرفته‌اند.

Archive of SID

- مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵.
- جمشیدی، رمضان(۱۳۷۸). تجزیه و تحلیل روند اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- سبحانی، حسن و درویشی، باقر(۱۳۸۴). بررسی مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختاری اشتغال در استان ایلام. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۰.
- عسگری، علی و گلی، علی(۱۳۷۸). بررسی تحولات رشد اقتصادی استان همدان و شهرستان‌های تابعه طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵ برای فعالیت‌های عمده اقتصادی.
- مهرگان، نادر و صنعت خانی، محبوبه(۱۳۸۶). تحلیل تغییرات رقابتی، ملی و ساختاری صادرات غیر نفتی طی برنامه‌های اول تا سوم توسعه، سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مهرگان، نادر و رضا کیهانی حکمت(۱۳۸۶)، بررسی تحولات اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی در بخش‌های عمده اقتصادی، سومین همایش دو سالانه اشتغال و نظام آموزش عالی کشور. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- Kian-Heng, Peh and Fot-chiwong(1999). **Growth in Singapore's Export Marets 1991-96: A Shift-share Analysis**. *Asian Economic journal*, Vol. 13, No. 3.
- Knudsen, Daniel C (2000). Shift-share analysis: further examination of models for the description of economic change. *Socio-Economic Planning Sciences*, Vol. 34, PP. 177-198.
- Lasuen, J. R(2002). **Venezuela: An industrial shift-share analysis 1941-1961**
- Maudos, Joaquín, Pastor, José Manuel and Serrano, Lorenzo (2008). Explaining the US-EU productivity growth gap: Structural change vs. intra-sectoral effect. *Economics Letters*, Vol. xx. World Bank. <http://www.worldbank.org>